

تاریخ، چگونه یک ملت را مصونیت می بخشد؟

همه ی ملت های جهان تاریخ خویش را پاس می دارند و در حفظ و آموزش آن به آحاد افراد خویش سعی بلیغ می نمایند. در هیچ جای جهان، کشوری را نمی توان یافت که گذشته ی خویش را نفی و انکار کند؛ حتی اگر نسبت به قسمت هایی از آن نقد و نظری داشته باشد. مثالی که در ادامه می آید، شاید درستی این سخن را به سادگی اثبات کند. در کشور مغولستان، چنگیزخان به عنوان قهرمان ملی و فرمانروایی عادل و خردمند تکریم می شود و مغولان از او به عنوان چهره ی بارز تاریخ خود نام می برند. این در حالی است که در همه ی کشورهای که مغولان به آن ها حمله ور شدند، چنگیزخان را فردی خونریز، ویرانگر و وحشت انگیز می دانند. شاید در مورد هیچ چهره ای در تاریخ، به اندازه ی او اتفاق نظر منفی وجود نداشته باشد.

دیگر کشورهای جهان نیز هر یک به سهم خود موارث ملی و تاریخی خویش را ارج می نهند. صرف نظر از نکات مثبت و منفی که ممکن است در تاریخ هر کشوری وجود داشته باشد، جای این پرسش اساسی باقی است که ملت ها از تاریخ گذشته ی خود چه سودی می برند که چنین مجدانه بدان می پردازند و حتی در مورد آن راه اغراق هم می پیمایند. واقعیت آن است که تاریخ، صرف نظر از هر بحث علمی و فلسفی و نظری، دارای این کارکرد اساسی است که انسان را در برابر مخاطراتی که لاجرم پیش روی او قرار خواهند گرفت، مصونیت می بخشد. همه ی ملت ها در مسیر تاریخ خود با فراز و فرود، پیشرفت و عقب ماندگی، پیروزی و شکست، و... مواجه می شوند و در واقع، خطر انحطاط اخلاقی، تجزیه ی ارضی، گسستن وحدت ملی، زوال حاکمیت ملی، حمله ی خارجی و... هیچ گاه به طور کامل برای کشورها از بین نمی رود. علاوه بر این، نیاز به متحد ساختن مردم، همدل کردن آن ها، ایجاد باور عمومی به سنت ها، وضع و اجرای قوانین، و... از نیازهای عمومی همه ی جوامع هستند.

همه ی این شرایط مثبت و منفی و سلبی و ایجابی در تاریخ ملت ها، صرفاً با ابزارهای مادی و صنعتی و اقتصادی

قابل پاسخگویی نیستند و لازم و ضروری است که جهات فرهنگی و معنوی نیز به خدمت گرفته شوند. این امر نیز در همان لحظه‌ای که احساس نیاز می‌شود، قابل تحقق نیست؛ مگر آن‌که از قبل آمادگی لازم در مورد آن کسب شود. همچنان که دین، اخلاق و سنن در این راستا کارایی بسیار دارند، تاریخ نیز نقش بسیار مهمی در آماده‌سازی ملت‌ها برای حفظ و بقای جامعه‌ی خویش با تلاش برای ترقی و پیشرفت دارد.

کسانی که با نگرش شتاب‌آلود و سطحی به تاریخ می‌نگرند، نمی‌توانند نقش بنیادین آن را در حفظ وحدت ملی، استحکام حاکمیت ملی و دفاع از منافع ملی درک کنند.

درس تاریخ، در ظاهری آرام، صبور و شکیبا، در خلال داستان‌ها، اخبار، عکس‌ها، نقشه‌ها و... به نحوی مستمر و مؤثر در افراد جامعه آمادگی و مصونیت لازم را برای مقابله با بحران‌هایی که ممکن است حیات و موجودیت یک ملت را تهدید کنند، پدید می‌آورد. از آن‌جا که حتی منتقدان درس و علم تاریخ نیز هیچ‌گاه نگفته‌اند که درس تاریخ را باید حذف کرد، می‌توان اظهار داشت که صرف تاریخ داشتن یک ملت، آن را مصون می‌سازد و مانع از بروز بحران‌های هویتی و موجودیتی برای آن می‌شود.

در این‌جا کارکرد تاریخ، شباهت تام و تمام به امنیت و سلامتی می‌یابد که تا وقتی هست، کسی متوجه حضور و اهمیت آن نیست و با زائل شدن آن است که ضرورت آن محسوس می‌شود.

معلم درس تاریخ بدون آن‌که گرفتار روزمرگی شود و زندگی را در نیازهای روزانه محصور سازد، در نگرشی بلند و مآل‌اندیشانه، موجبات استحکام شالوده‌های موجودیت و هویت ملت، ریشه‌دار شدن آن، اثبات موجودیت و حقانیت آن، و شکل‌گیری هویت و شخصیت آن را فراهم می‌آورد. تأکید تام و تمام بر وحدت یک ملت با بیان سرگذشت مشترک آن‌ها، ایجاد هم‌دلی و هم‌دردی در میان‌شان در خصوص وقایع ممکن می‌گردد. تحکیم وحدت ملی با ملموس ساختن منافع عمومی و نشان دادن پیوسته بودن سرنوشت آن‌ها، همگی به وسیله‌ی تاریخ صورت می‌گیرد. بدون درس تاریخ، این موارد را چه درسی می‌تواند انجام دهد؟ آیا تاکنون درباره‌ی نقش بنیادین و اساسی چنین اموری و نقش تاریخ در تکوین و تداوم آن‌ها اندیشیده‌اید؟

هر ملتی در طول تاریخ خویش درباره آنچه که بر او گذشته است، در خصوص بسیاری از مسائل، قضاوتی یکسان و احساسی مشترک می‌یابد. در نتیجه، با گذشت زمان صاحب فضای فرهنگی واحدی می‌شود که در آن فضا تنفس می‌کنند، می‌اندیشند، قضاوت می‌کنند و آرمان‌ها و آرزوهای خود را می‌یابند. در این میان، به وجود آوردن وحدت ملی و تمامیت ارضی، برقراری حاکمیت ملی و اثبات موجودیت آن، و حفظ هویت ملی، از اهم کارکردهایی است که علم و درس تاریخ در تحقق آن‌ها نقش کلیدی، اساس و زیربنایی دارد. با علم و درس تاریخ نمی‌توان از دیدگاه منفعت‌خواهی مادی، و زودگذر و آنی برخوردار کرد. نیز نمی‌توان در مورد پرداختن بدن با امساک و کوتاه‌نظری نگرست. اهمیت و ضرورت تاریخ برای حیات هر ملت بدان‌گونه است که برای آن، هرگونه هزینه، سرمایه، اهتمام و عنایتی صورت می‌گیرد. زیرا با تاریخ است که یک ملت مصونیت‌های لازم را برای حفظ خویش در بحران‌های هر عصر به دست می‌آورد. بحران هویت، بحران ارزش‌ها، بحران فرهنگ‌ها، بحران جهانی شدن، بحران رسانه‌ها، بحران خرده فرهنگ‌ها و مانند آن‌ها، با بهره‌گیری از تاریخ اگر مرتفع هم نشود، کاهش اساسی می‌یابد.